

فصلنامه سیاست دفاعی

سال سیزدهم و چهاردهم، شماره ۵۲ و ۵۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۴

## جنگ نامتقارن در آیینه تئوری آشوب

نویسنده: حسین مزروعی\*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۹/۸

تاریخ تأیید مقاله: ۸۴/۱۱/۱۸

صفحات مقاله: ۱۴۰-۱۱۳

### چکیده

محیط نامطمئن، پیچیده، قطعیت ناپذیری و غیرقابل پیش‌بینی، از ویژگیهای سازمانهای آشوبی است که تنها می‌توان آن را با ویژگیهای تئوری آشوب (اثر پروانه‌ای، سازگاری پویا، خودمانایی و جاذبه‌های غریب) مطالعه و مدیریت نمود. جنگ نامتقارن از مصادیق بارز سیستم‌های آشوبی است و صرفاً با استفاده از ویژگیهای نظریه آشوب قابل تحلیل می‌باشد. در این مقاله موضوع جنگ نامتقارن از منظر نظریه آشوب و ویژگیهای آن مورد بررسی قرار می‌گیرد تا بتوان امکان تحلیل و تدبیر شرایط پیچیده جنگ نامتقارن را فراهم نمود.

\* \* \* \* \*

### کلید واژگان

جنگ نامتقارن، تئوری آشوب، اثر پروانه‌ای، سازگاری پویا، خودمانایی، جاذبه‌های

غریب.

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

E-mail: hmazrooe@yaho.com

## مقدمه

نظر به این که متغیرهای سازمانی چون منابع انسانی و مادی، افکار و ایده‌ها، قوت‌ها و ضعف‌ها، برنامه‌ها و فعالیتها، محصولات و خدمات، و عوامل موثر محیطی اعم از تکنولوژی، وضعیت اقتصادی، ظرفیت اجتماعی و ...، بسیار متعدد و متنوع و نیز متعارض هستند، مدیریت یک امر مشکل و پیچیده‌ای است. این همه تفاوت، تعارض و تغییر، نشانی از تلاطم، عدم قطعیت، ناامنی و پیش‌بینی‌ناپذیری دارد و به دلیل پیچیدگی عناصر طبیعی، از پیامدها و تبعات تصمیمات اطمینان‌بخش آگاهی وجود ندارد. زیرا رابطه بین این پدیده‌ها خطی نیست و نمی‌توان شرایط گذشته را به حال و شرایط حال را به آینده تسری داد و به سادگی تصمیم‌گیری نمود، بلکه با وضعیت غیرخطی مواجه هستیم و روابط علتها و معلولها به صورت غیرخطی و پیچیده ترسیم شده‌اند. انواع تناقضها، شرایط را بغرنج و مبهم جلوه می‌دهد، طوری که تعیین یک مبنای مشخص برای تحلیل این وضعیت کار مشکلی است. در این صورت با وضعیت آشوب<sup>۱</sup> مواجه می‌شویم. بنابراین، مدیریت تحولات آشوبی به واسطه رویکردهای سنتی که شرایط را خطی و ساده می‌انگارد، میسر نیست و ناگزیریم با معادلات آشوبی و با ملاحظه خواص و ویژگیهای دستگاه آشوب به حل مسائل و مدیریت سازمان بپردازیم.

یکی از سیستمهای آشوبی که حاوی مشخصات نظریه نظم در بی‌نظمی (آشوب) است، جنگ نامتقارن<sup>۲</sup> می‌باشد. از این رو تنها می‌توان شرایط پیچیده جنگ نامتقارن را به واسطه مفروضات تئوری آشوب (نظم در بی‌نظمی) مورد مطالعه قرارداد.

## چارچوب نظری

ارتباط با محیط و مشاهده تحولات آن، باعث تغییر در نگرش انسان نسبت به شرایط محیطی می‌شود. «امروزه در نحوه نگرش ما به مسائل اطرافمان، تحولی در حال تکوین است. پیچیدگی، عدم قطعیت و عدم اطمینان، بی‌نظمی و تلاطم از

1- Chaos

2- Asymmetrical warfare

ویژگی‌هایی هستند که تا دیروز مورد علاقه دانشمندان نبود؛ اما امروزه بسیار مورد توجه و عنایت قرار گرفته‌اند.» (الوانی، ۱۳۷۴، ۳۸). «در مدیریت نیز همچون سایر حوزه‌های دانش بشری، پارادایم رایج و غالب که بستر نظریه‌پردازیها و تئوری‌سازیها بر فرض یقین و ثبات استوار بوده است و پدیده‌ها همواره منظم و پیش‌بینی‌پذیر قلمداد شده‌اند، اما دگرگونی‌ها و بحرانهای فعلی خبر از ناکارایی این پارادایم می‌دهد ... باید جست و جویی وسیع و ژرف آغاز و هنجارها و نظریه‌هایی مطرح شود که پیشرفتهای گذشته را کنار نهاده و بی‌نظمی را به جای نظم، پیش‌بینی‌ناپذیری را به جای قطعی‌نگری، عدم اطمینان را به جای یقین، پیچیدگی را به جای سادگی و بحران را به جای آرامش، در زمرهٔ پیش‌فرضهای خود قرار دهند.» (الوانی، ۱۳۷۸، ۴۰-۳۰)

نظریه‌ای که بتواند پدیده‌ها را از حیث بی‌نظمی، پیش‌بینی‌ناپذیری و پیچیدگی مورد مطالعه و شناخت جامعی از قضایا ارائه دهد، نظریهٔ آشوب است. «نظریهٔ آشوب یا بی‌نظمی به سیستمهایی اشاره دارد که ضمن نشان دادن بی‌نظمی، حاوی نوعی نظم نهفته در درون خود می‌باشند. این نظریه بیانگر رفتارهای نامنظم، غیرخطی و غیرقابل پیش‌بینی و پیچیده در سیستمها بوده و به وجود یک الگوی نظم غایی درتمام این بی‌نظمی‌ها قائل است.» (الوانی، ۱۳۷۸، ۴۰) «نظریه آشوب یا بی‌نظمی، یا به عبارتی نظریه نظم غایی ما را در بررسی و مطالعه سیستمهای پیچیده یاری می‌دهد و با در نظر داشتن اصول قطعیت و احتمال، با هم راه‌حل واقع‌بینانه‌ای برای مسائل امروز فراهم می‌آورد.» (الوانی، ۱۳۷۴، ۳۸) بنابراین نظریه آشوب، به عنوان یک مبنا و چارچوب مفهومی، در مطالعه و تحلیل پدیده‌های پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی مفید و ضروری است. می‌توان به استناد ویژگیهای سیستم آشوبی اعم از اثر پروانه‌ای، سازگاری پویا، خودمانایی و جاذبه‌های غریب - که بعداً شرح داده خواهد شد - به بررسی فهم بهتر قضایا و رخدادها پرداخت.

یکی از پدیده‌های پیچیده و چندوجهی که مطالعه و مدیریت آن از منظر معادلات آشوب امکان‌پذیر و موجه است، جنگ نامتقارن می‌باشد. شرایط و

عواملی که باعث پیچیده و مشکل‌تر شدن اداره جنگ می‌شود و مفاهیم عدم قطعیت، غیرخطی بودن و پیش‌بینی‌ناپذیری را به وجود می‌آورد، وجود تعدد و تنوع عناصر و متغیرهای تشکیل دهنده نظام جنگی، و تفاوتها و تعارضات میان آنها می‌باشد. بنابراین «سیستمهای پویای مدیریت، به سبب دخالت عوامل متعدد، متغیرهای چندگانه، تنوع عناصر متمایز در ساختار سیستم و تعدد روابط آن، می‌توانند بسیار پیچیده و بغرنج باشند. همچنین سازمانهای برخوردار از گوناگونی‌های فراوان، حالت‌های سیستمی متفاوت و گوناگون اتخاذ می‌کنند و رفتار بغرنج بروز می‌دهند. این همه، پیش‌بینی‌ناپذیری را در سیستمهای مدیریت دشوار می‌سازد؛ به‌ویژه این که سیستمهای مدیریت کمتر ممکن است خطی باشند، بلکه غالباً از سیستمهای غیرخطی تشکیل می‌شوند و تحت سیطره تعاملات غیرخطی قرار دارند» (فقیه، ۱۳۷۵، ۹۳)

با ملاحظه انبوهی از تفاوتها در نیروی انسانی از نظر تخصص‌ها، قابلیت‌ها، شخصیت‌ها و ... ، به‌کارگیری ابزار و ادوات در وضعیتهای مختلف، شرایط منطقه‌ای، اقلیمی، جوی و زمانی، واکنشهای دشمن و ... ، پیروزی در جنگ به ویژه هنگامی که قوا در دو طرف مخاصمه همسان نیستند، از طریق روشهای معمول و متداول نظامی میسر نیست، یعنی نمی‌توان نظام پیچیده جنگی را با روشهای معمول که مناسب با شرایط ساده می‌باشد، مدیریت کرد؛ بلکه باید بر اساس مفروضات جنگ نامتقارن، جنگهای نابرابر، گسترده، همه‌جانبه و متفاوت را مدیریت نمود.

«ستاد مشترک ارتش آمریکا جنگ نامتقارن را این‌گونه تعریف کرده است: به‌کارگیری رویکردهای غیرقابل پیش‌بینی و یا غیرمترعارف برای خنثی‌سازی یا تضعیف قوای دشمن و در عین حال، بهره‌برداری از نقاط آسیب‌پذیر او، از طریق فناوریهای غیرقابل انتظار با روشهای مبتکرانه.» (کت مکزی، ۱۳۸۲، ۵-۶) بنابراین «در جنگ نامتقارن هیچ چیز به‌طور کامل قابل پیش‌بینی نیست، زیرا جنگی نامنظم، با شیوه‌های نامشخص و روشهای نامعین است و نمی‌توان آن را با امکانات و تجهیزات محاسبه نمود. اساساً جنگ نامتقارن زمانی انتخاب می‌شود که دو طرف

منازعه در شکاف عمیقی از نظر قدرت دفاعی و فناوری تسلیحاتی قرار دارند، یعنی زمانی که تفاضل قدرت فیزیکی بین طرفین منازعه بسیار زیاد باشد.» (پیری، ۱۳۸۲، ۳۹)

با ملاحظه ماهیت جنگ نامتقارن، می‌توان ویژگیهای زیر را برای آن فرض نمود:

«۱- جنگ نامتقارن بدیل ندارد.

- ۲- جنگ نامتقارن هر بار که روی دهد شیوه‌ای نو و ناشناخته ارائه می‌دهد.
- ۳- جنگ نامتقارن کوتاه‌مدت و گاهی ناباورانه است.
- ۴- در جنگ نامتقارن هیچ چیز به‌طور کامل قابل پیش‌بینی نیست، زیرا جنگ نامتقارن جنگی است غیرکلاسیک با شیوه‌های نامشخص و روشهای نامعین و محاسباتی فراتر از امکانات و تجهیزات.
- ۵- واکنش سریع‌تر در برابر حملات دشمن.
- ۶- نیاز کمتر به عوامل پشتیبانی در مقایسه با جنگ کلاسیک.
- ۷- ردپای عملیاتی کمتر.

۸- در صورت لو رفتن عملیات، خسارات و تلفات نسبت به جنگ کلاسیک کمتر است.» (سادات، ۱۳۸۲، ۱۲۵)

با توجه به این ویژگیها جنگ نامتقارن دارای ماهیتی پیچیده می‌باشد، طوری که نمی‌توان آن را در چارچوب ارتشهای کلاسیک تبیین نمود. در واقع از اصول و قواعد رزم مشخص ارتشهای کلاسیک پیروی نمی‌کند، بلکه بر عکس در پی نقض قوانین و مقررات جنگ کلاسیک می‌باشد و در این راستا به خلق اصول و قواعد جدید می‌باشد. نیلز ناستاد می‌گوید:

«در جنگ نیز مقرراتی است که باید از آن پیروی نمود. چیزهایی هست که می‌توانید انجام دهید، و چیزهایی هست که نمی‌توانید انجام دهید. مشکل این است که اگر بازنده متوجه شود که قوانین به نفع او نیست، احتمالاً آنها را نقض خواهد کرد. هیچ حکم و داوری وجود ندارد که به او بگوید تا میدان را ترک کند. داور نهایی خود "نتیجه" است. اگر قانون و مقررات را نقض کنید و برنده شوید، قوانین جدیدی وضع کرده‌اید. اگر برنده شوید از مجازات خواهید گریخت. جنگ دارای

تمایل ذاتی برای وضع قوانین جدید است؛ به عبارت دیگر، جنگ دارای میل به نامتقارن شدن است.» (ناستاد، ۱۳۸۴، ۳۱-۳۰) بنابراین حسب ماهیت جنگ نامتقارن، باید در پی ایجاد شرایط جدید و ابداع تاکتیکهای نو بود، طوری که دشمن نتواند با استفاده از اصول و قواعد رزم کلاسیک به مقابله برخیزد. در این راستا یکی از ویژگیهای جنگ نامتقارن عبارت است از: «فقدان اصول و قواعد رزم در مقابل رزمندگان جنگ نامتقارن در ارتشهای کلاسیک.» (افروز، ۱۳۸۲، ۶۹)

همچنین یکی از ویژگیهای جنگ نامتقارن، ابهام و نامعلومی آن در ابعاد مختلف می باشد. بخشی از موارد ابهام به این شرح است: «نامشخص بودن اهداف و یا گستردگی تعداد اهداف، نامشخص بودن استعداد رزمندگان ضددیکتاتور یا ضد متجاوز، عدم امکان پیشبینی زمان حملات رزمندگان جنگ نامتقارن، عدم امکان پیشبینی محل درگیری با رزمندگان جنگ نامتقارن، عدم امکان پیشبینی سازمان جنگ نامتقارن.» (افروز، ۱۳۸۲، ۶۸)

با توجه به آنچه که توصیف شد، می توان جنگ نامتقارن را به عنوان یک سیستمی که آکنده از مشخصات آشوب است به حساب آورد و ویژگیهای سیستم آشوبی را در تمامی وجوه آن ملاحظه نمود. از این رو حسب تئوری آشوب، جنگ نامتقارن، مفاهیم زیر را تداعی می کند:

متفاوت با شرایط معمول، متفاوت با شرایط قبلی، غیرقابل پیشبینی، غیرخطی، قطعیت ناپذیر، نیازمند به شیوه ها و ابتکارات جدید، و ... .  
حال می خواهیم با ملاحظه ویژگیهای دستگاه آشوبی، به تحلیل نحوه مدیریت در جنگ نامتقارن بپردازیم. این ویژگیها عبارتند از:

#### ۱- اثر پروانه ای<sup>۱</sup>

آنچه که کم و کیف سیستمی را نشان می دهد، نوع روابط و ترکیبی است که بین اجزا و متغیرهای آن به وجود می آید. روابط خطی و غیرخطی بین متغیرها بر میزان

پیچیدگی، قطعیت‌پذیری و قابلیت پیش‌بینی مؤثر است و سطح آشوبی بودن آن را تعیین می‌کند. «در یک رابطه خطی یک علت معین، فقط یک معلول دارد و یک اقدام معین، فقط منجر به یک پیامد می‌شود. اما در یک رابطه غیرخطی یک علت یا یک اقدام معین، می‌تواند معلولها یا پیامدهای متفاوت و متعددی داشته باشد؛ به عبارت دیگر، معادلات خطی، فقط یک راه‌حل دارند و به‌طور طبیعی می‌توانند به سادگی حل شوند؛ اما معادلات غیرخطی، بیش از یک راه‌حل دارند و هیچ‌گونه روش قطعی برای حل بیشتر آنها وجود ندارد.» (الوانی، ۱۳۸۱، ۱۰) «رابطه غیرخطی، اشاره به رابطه‌ای دارد که در ازای تغییرات در متغیر مستقل، تغییرات نسبی در متغیر وابسته ایجاد نمی‌شود. در سیستمهای غیرخطی تغییری بسیار جزئی در متغیر مستقل، می‌تواند منجر به تغییری بسیار عظیم در متغیر وابسته شود.» (الوانی، ۱۳۸۱، ۳۳-۳۲) «در پارادایم غیرخطی و تفکر بی‌نظمی و آشوب ممکن است واردهای جزئی، موجب اثری عظیم و شگرف در سیستم گردد. یافتن نقاط حساس و به بیانی تمثیلی، یافتن اهرم و نقطه اتکای مساعد باعث می‌گردد تا با نیرویی اندک به نتایجی بزرگ دست یافت. مدیران امروز اگر بتوانند این نقطه اتکاها یا پایگاههای کلیدی را بیابند، خواهند توانست با واردهای کوچک، تأثیری عظیم و فراگیر ایجاد کنند.» (الوانی، ۱۳۸۱، ۴۱)

«لورنز<sup>۱</sup> عالم جو شناس، در تحقیقات خود با شگفتی به این نتیجه رسید که یک تغییر جزئی در شرایط اولیه معادلات پیش‌بینی‌کننده وضع جوی، منجر به تغییرات بسیار شدید در نتایج حاصل از آنها می‌گردد. در حالی که به‌طور متعارف یک تغییر جزئی می‌بایست منجر به تغییر جزئی در نتایج می‌شد. لورنز این خاصیت را اثر پروانه‌ای نام نهاد. بدین مفهوم که اگر پروانه‌ای در پکن پر بزند از اثر جزئی حرکت بالهای آن، ممکن است طوفانی در نیویورک بر پا شود. حساسیت نسبت به شرایط اولیه یکی از ویژگیهای مهم سیستمهای بی‌نظم و آشوبناک است و از آن به عنوان یک شاخص برای شناخت این سیستمها می‌توان

بهره برد.» (الوانی، ۱۳۸۱، ۴۱) «بدین ترتیب تفکر سستی و قطعی‌گرا که با پیش‌فرض نظم و تقارن در امور شکل گرفته است و بر اساس آن، داده‌های جزئی تغییرات جزئی در صادره‌ها را موجب می‌شوند در پارادایم بی‌نظمی و آشوب جایگاهی ندارد؛ بلکه بنابراین نظریه، یک حرکت جزئی می‌تواند موجب تحرک عظیم و کلی گردد. در سیستم‌های غیرخطی، در رابطه علت و معلولی، وارده‌ها با صادره‌ها برابر نیستند و اگر وارده‌ای خطی افزایش یافت، لزوماً صادره به صورت خطی افزایش پیدا نمی‌کند. «حساسیت نسبت به شرایط اولیه» بیان دیگری از اثر پروانه‌ای است. تغییری کوچک در شرایط اولیه یک فرایند، تغییرات وسیعی را در نتایج به دست می‌دهد.» (الوانی، ۱۳۸۱، ۴۲)

به استناد اثر پروانه‌ای می‌توان در جنگ نامتقارن، با یافتن نقاط حساس و اهرم‌های کلیدی و انجام حرکت جزئی و تغییر در شرایط اولیه، یک حرکت عظیم و نتایج بزرگی را به بار آورد. یعنی می‌توان با یک وارده‌ای کوچک، ستاده‌ای بزرگ را انتظار داشت. مهم این است که طرف ضعیف بتواند از نقاط ضعف دشمن و نقاط قوت خود بهره‌برداری کند و با استفاده از شیوه‌های مبتکرانه و ناباورانه، و تحرکات مؤثر گرچه کوچک و جزئی، بر حریف خود غالب گردد. چرا که «داشتن منابع و قدرت بیشتر، تضمینی برای برتری به حساب نمی‌آید.» (سیاحی، ۱۳۸۲، ۱۶۶) پس «مطلب اساسی و مهم برای آن طرفی که می‌خواهد با استراتژی جنگ نامتقارن بجنگد، یافتن نقاط ضعف دشمن است تا از طریق آن بتواند به دشمن ضربه وارد کند، این مهمترین و مشکل‌ترین بخش کار محسوب می‌شود و کارهای بعدی پس از شناسایی نقطه ضعف و آسیب‌پذیری دشمن تا حدودی آسان‌تر خواهد بود و برنامه برای رسیدن به آن را می‌توان طراحی و ابزار لازم را تهیه نمود.» (جمالی، ۱۳۸۲، ۱۲۵) در این صورت قالب جنگ متقارن متحول می‌شود و با تمهیدات و اقداماتی که در چارچوب جنگ متقارن تعریف نشده است، نتایج تغییر می‌کند و امتیازات بزرگی حاصل می‌گردد. به‌طور مثال یکی از موارد شاخص اثر پروانه‌ای در جنگ نامتقارن، تأثیرگذاری



اقدامات تاکتیکی بر سطح استراتژیک می‌باشد. «مؤثرترین رویکردهای نامتقارن، کسب برتری در سطح استراتژیک است ... سطح استراتژیک به معنای اعم کلمه؛ اقداماتی را شامل می‌شود که برای تحقق اهداف امنیت ملی و سیاست خارجی صورت می‌گیرد. این اقدامات در عرصه جنگ نامتقارن، به مواردی اطلاق می‌گردد که معمولاً بزرگترین «نتیجه» را برای عاملانش به بار می‌آورد، زیرا این اقدامات برای تأثیرگذاری بر نتایج اصلی درگیری طراحی شده‌اند. برخی اقدامات انجام شده در سطح تاکتیک و عملیات، ممکن است نتایجی استراتژیک داشته باشند، این موضوع هدف غایی هر رویکرد نامتقارنی به شمار می‌آید. بمب‌گذاری سال ۱۹۸۳ در بیروت، نمونه بارزی از یک نتیجه مطلوب استراتژیک است که از یک اقدام تاکتیکی نشأت گرفته است. حمله یک کامیون حامل بمب به «تیم استقرار ساحلی گردان ۱/۸» در اکتبر ۱۹۸۳ به عنوان یکی از موفق‌ترین حملات در تاریخ معاصر محسوب می‌شود. این حمله در سطح استراتژیک به لحاظ تاکتیک عالی و از نظر سیاسی موفقیت‌آمیز بود، زیرا این عملیات منجر به خروج نیروهای آمریکا از لبنان در سال ۱۹۸۴ شد» (مکنزی، ۱۳۸۲، ۱۶-۱۵)

در اینجا با توجه به قاعده اثر پروانه‌ای که به تأثیر بزرگ عناصر کوچک توجه دارد، به موارد و نمونه‌هایی اشاره می‌شود که می‌توان از آنها به عنوان عوامل مؤثر در ایجاد نتایج بزرگ، بهره‌برداری نمود و نتیجه جنگ را تغییر داد و بر حریف قوی غلبه کرد. این عوامل به دو دسته انسانی و مادی تقسیم می‌شوند:

#### ۱-۱- عوامل انسانی

عوامل انسانی حاکی از اراده و حضور منابع انسانی در مقابل حریف می‌باشد. بعضی از این عوامل به شرح زیر می‌باشد:

##### ۱-۱-۱- اندیشه خلاق

آنچه در شرایط جنگی پیچیده و آشوب‌زده، افراد را یاری می‌کند تا بتوانند نقاط حساس را بشناسند و تصمیم درست بگیرند و با تغییر در شرایط اولیه و

ایجاد حرکت مناسب بتوانند، گرچه جزئی، باعث تحولی عظیم و نتایجی شگرف شوند، اندیشه خلاق می‌باشد. «اثر پروانه‌ای، توجیهی عقلایی و کامل از رفتارها و تصمیم‌های مدیران کارآفرین و خلاق و موفق به دست می‌دهد، که با یک حرکت مناسب و کم‌انرژی می‌توانند موجبات تحول و دگرگونی‌های عظیم و توفیق‌های شگرفی را برای سازمان فراهم آورند. یک اندیشه خلاق هم چون بال زدن یک پروانه، می‌تواند در مسیری آن چنان کارساز و انرژی‌افزین باشد که طوفان و تحول برپا کند و از اندک، بسیار سازد.» (الوانی، ۱۳۸۱، ۴۲-۴۱) از این رو «به دست آوردن ابتکار عمل در میداین رزم و درگیری با دشمن، از عواملی است که دستیابی به اهداف و حصول پیروزی را میسر می‌سازد.» (شبانگیز، ۱۳۸۲، ۵۹)

۲-۱-۱- برتری روحیه

«اگرچه منطق نظامی بر این استوار شده که قوی بر ضعیف پیروز است، اما تجربه نشان داده است چون ارتشهای قدرتمند بیش از حد به سلاح و تجهیزات خود متکی هستند؛ رعایت اصل برتری روحیه، باعث می‌شود ارتش ضعیف نه فقط در برابر دشمن قوی مقاومت نماید، بلکه در درازمدت آن را نیز از پای درآورد.» (صادق، ۱۳۸۲، ۱۱۶) از این رو عنصر روحیه می‌تواند امکان حضور فعال و پویای نیروی انسانی را در جبهه جنگ فراهم نماید و زمینه‌ساز پیشرفتهای چشمگیر باشد.

### ۳-۱-۱- خطرپذیری معقول

«تصمیم‌گیری در یک محیط جنگی، تصمیم‌گیری در شرایط عدم اطمینان و ریسک می‌باشد؛ زیرا شرایط و محیط عملیاتی به دقت قابل پیش‌بینی نیست و نمی‌توان انتظار داشت که نتیجه اقدامات مشابه، همگون باشد. در چنین شرایطی تغییرپذیری و عدم اطمینان فضای نتایج را احاطه نموده است. در جنگ نامتقارن، تنها طرفی برنده است که با خطرپذیری معقول بر اساس محاسبات معمول، اقدامات نظامی را توسعه دهد.» (پیری، ۱۳۸۲، ۵۰) از این رو می‌توان با پذیرش درصدی از خطرپذیری، زمینه‌های کسب نتایج را به وجود آورد.

## ۴-۱-۱- مردمی بودن

«در مورد اثر پروانه‌ای، می‌توان به مثال مشارکت مردم در فعالیتها اشاره کرد. سازمانی که قادر باشد از یک نقطه کلیدی یعنی تمایل مردم، استفاده کند و آنان را به مشارکت در فعالیتهای خود فراخواند، قادر خواهد شد حرکات عظیمی را با این اهرم تحقق بخشد.» (الوانی، ۱۳۸۱، ۴۲) «اما در صورت وقوع جنگهای نابرابر و حمله طرف قوی بر جبهه ضعیف، آنچه واقعیت دارد این که ارتش کشور مورد هجوم، توان مقابله منظم یا حتی نامنظم را در برابر تهاجم همه‌جانبه ندارد. بنابراین نقش آشکار و پنهان مردم، برای اجرا و پشتیبانی عملیات مقاومت، اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.» (سیاحی، ۱۳۸۲، ۱۵۸) بر این اساس اتکا به نیروهای مردمی، می‌تواند توانمندی فزاینده‌ای را به منظور تأثیرگذاری بر سرنوشت جنگ ایجاد نماید.

## ۲-۱- عوامل فیزیکی

عوامل مادی اعم از ابزار و تاکتیکهای جنگ می‌باشد که بر اساس اراده و ابتکار منابع انسانی، می‌تواند شرایط جنگ و نتیجه آن را به نفع طرف ضعیف تغییر دهد و در واقع، محاسبات سطحی‌نگرانه دشمن را در هم فرو ریزد. بعضی از این عوامل به شرح زیر می‌باشد:

۱-۲-۱ جنگ اطلاعاتی

«تعداد زیادی از پردازشگرهای شبکه و بانکهای اطلاعاتی دشمن به شبکه‌های کامپیوتری متکی است. سیستمهایی مانند توزیع انرژی، حمل و نقل، بانکداری و امور مالی، سیستم‌های تأمین آب، خدمات اضطراری مخابرات و ... و وابسته به این سیستم هستند. این وابستگی موجب آسیب‌پذیری دشمن در مقابل حملات شبکه‌ای خواهد بود؛ یعنی بدون مواجهه با نیروی انتظامی دشمن می‌تواند به سیستمهایی که به آنها وابسته است آسیب رساند و باعث ایجاد آشوب و اختلال وسیع شود. همچنین ورود به شبکه‌های داخلی کامپیوتری (آنهايي که از طریق اینترنت قابل دسترسی نیست) مثل کنترل ترافیک هوایی، سیستم تغییر مسیر

قطارها یا سیستمهای کنترل یک نیروگاه هسته‌ای یا یک کارخانه شیمیایی هم از نقاط آسیب‌پذیر دشمن می‌باشند.» (پیری، ۱۳۸۲، ۴۲) پس با توجه به اینکه حیات نظام جنگی وابسته به اطلاعات می‌باشد، لازم است نیروی ضعیف در جنگ نامتقارن علاوه بر تقویت اطلاعات خود، نظام اطلاعاتی دشمن را به منظور تقویت عملیات آن مختل نماید.

### ۲-۱-۲-۲- انجام عملیات غیرخطی (عملیات نفوذی و چریکی)

«در جنگ متقارن هر دو طرف در مقابل یکدیگر ایستاده، مواضع دفاعی و گسترش یگانهای در خط و احتیاطها مشخص می‌باشد و هر یک برای انهدام باید از میان مواضع دیگری عبور نمایند، ولی در جنگ نامتقارن می‌توان با دور زدن و پشت سر گذاشتن مواضع و موانع، مقاومت‌های دشمن را در نقاط آسیب‌پذیرش منهدم نمود.» (پیری، ۱۳۸۲، ۵۱) پس نیروی ضعیف می‌تواند با عملیات نفوذی خود، نقاط دشمن را نشانه رود و دشمن را علی‌رغم همه توانمندیهایش مستأصل نماید.

### ۲-۱-۲-۳- شدت حمل

«یکی از اصول اساسی در جنگ نامتقارن، تلاش در جهت زدن ضربه‌های موثر و مهم به دشمن می‌باشد. ممکن است ضربه در یک نقطه جغرافیایی محدود وارد شود، اما اثرات آن فراگیر و گسترده باشد، به گونه‌ای که بر اراده و تفکرات استراتژیک دشمن نیز تأثیر گذارد.» (صمدی، ۱۳۸۲، ۲۱۵) بنابراین نیروی ضعیف می‌تواند با ضربه‌های کوچک ولی موثر، دشمن قوی را در نقاط استراتژیک زمین گیر کند.

### ۲-۱-۲-۴- غافلگیری

غافلگیری، وارد ساختن ضربه به دشمن در زمان و مکان با شیوه و ابزاری است که دشمن آمادگی پذیرش، واکنش موثر و یا قدرت پیش‌بینی آن را نداشته باشد.

### ۲-۱-۲-۵- فریب

«فریب؛ یعنی فعالیت‌هایی که به منظور گمراه ساختن دشمن از قصد و نیت

خودی به کار می‌رود. رعایت این اصل در سطح استراتژیک به معنای به انحراف کشاندن ذهن مسئولین حکومتی، فرماندهان و طراحان دشمن از نیت خودی، با استفاده از نفوذ در سیستمهای اطلاعاتی، ایجاد شرایط سیاسی خاص عملیات روانی، ایجاد شکاف در ائتلاف دشمنان و تمایز دوستان از دشمنان در سطح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد.» (پیری، ۱۳۸۲، ۴۷) از این رو نیروی ضعیف می‌تواند با ترغیب فریب و گمراه‌سازی، دشمن را دچار تشویش ذهنی نماید و با یک حرکت به ظاهر کوچک، یک اثر بزرگ به جای گذارد.

### ۶-۲-۱- اختفا و استتار

«در طرح‌ریزی عملیات‌های نامتقارن، استفاده از شیوه‌های مرسوم اختفا و استتار با توجه به برتری قدرت هوایی ارتش مدرن در نبردهای امروزی بسیار راه‌گشا ضروری است. نیروهای خودی در مواضع خود با رعایت این اصل می‌توانند هنگام تهاجم زمینی و نزدیک دشمن به مواضع خودی، با او درگیر شوند.» (رحمتی، ۱۳۸۲، ۴) بنابراین می‌توان با تدبیر اختفا و استتار، امکان مقابله موفقیت‌آمیز را فراهم نمود.

### ۲- سازگاری پویا<sup>۱</sup>

یکی از موضوعات حیاتی سیستمها ارتباط و سازگاری آنها با محیط می‌باشد. «سیستمهای بی‌نظم در ارتباط با محیط خود همچون موجودات زنده عمل می‌کنند و نوعی تطابق و سازگاری پویا بین آنها و پیرامونشان برقرار است. این ویژگی نیز در ارتباط با مسایل سازمان و مدیریت، کارساز و روشن‌گر است و توجه به آن حائز اهمیت می‌باشد. این سیستمها که والدراپ<sup>۲</sup> آنها را سیستم پیچیده سازگار شونده<sup>۳</sup> نام نهاده است، در طبیعت بسیار موفق بوده و از طریق سازگاری پویا، بقای خود را در طول زمان حفظ می‌کنند.» (الوانی، ۱۳۷۸، ۴۴-۴۵)

1- Dynamic Adaptation

2- M. Waldrop

3- Complex Adaptive Systems

بنابراین با توجه به تغییرات محیطی و ضرورت تعامل و تأثیرات متقابل سازمان و محیط، لازم است سازمان خودش را با محیط به صورت معنی‌دار و معقول سازگار نماید تا در شرایط بهتری قرار گیرد؛ یعنی بتواند برای حفظ بقا و فراتر از آن، رشد و توسعه خود، عکس‌العمل مناسب نشان دهد. برای این کار، سیستمها از خاصیت یادگیری برخوردار می‌باشند. «آنها می‌توانند از طریق بازخور یاد بگیرند. این ویژگی در درونشان تعبیه شده و جنبه خارجی برای آنها ندارد. در مقابل رفتارهای عوامل پیرامونی، اجزا با هم ارتباطی خاص برقرار کرده و نسبت به آنها عکس‌العمل نشان می‌دهند.» (الوانی، ۱۳۷۸، ۴۶) در این صورت سازمان انعطاف‌پذیر می‌شود، یعنی حسب اقتضای محیط و الزامات سازمان، از خودش رفتاری مناسب و متناسب نشان می‌دهد.

در جنگ نامتقارن، با توجه به شرایط پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی و بروز رخداد‌های غیرمنتظره، سازمان جنگی باید از توانایی عکس‌العمل مناسب و رفتار مقتضی برخوردار باشد، تا بتواند خودش را از یک وضعیت ناگوار برهاند و به یک وضعیت مطلوب سوق دهد. در این صورت سازمان می‌تواند از شرایط موجود حداکثر استفاده را ببرد و ضمن تسلط بر اوضاع، ضریب موفقیت خود را همراه با حداقل منابع انسانی و مادی افزایش دهد.

از جمله مواردی که حاکی از رفتار انعطاف‌پذیر و اقدام مناسب به منظور مقابله با شرایط جنگی متفاوت و متغیر است؛ به شرح زیر می‌باشد:

#### ۱-۲- خلق محیط‌های عملیاتی جدید و پرهیز از تکرار تاکتیکها

«برای این که دشمن را همواره وادار به نبرد در شرایطی که برای وی ناشناخته، غیرمنتظره و تجربه نشده نماییم، باید با تغییر عوامل متغیر صحنه، یک محیط عملیاتی جدید ایجاد کرد. پیدایش یک محیط جدید، ضرورت تغییر در روشها، تاکتیکها و تکنیکها را فراهم می‌آورد. در نتیجه تاکتیک و تکنیک متحول می‌شود، دشمن تجسم مناسب و دقیقی از عملیات آینده را نخواهد داشت و در برابر رزم

در چنین شرایطی غیرآماده و نامطمئن می‌گردد. در این سبک از تصمیم‌گیری و طرح‌ریزی، ملاحظات استراتژیک معیار تمام تصمیم‌گیری‌هاست. لذا بن‌بستهای تاکتیکی تحت تأثیر شرایط عملیاتی جدید شکسته می‌شود. (پیری، ۱۳۸۲، ۴۹) بدیهی است ایجاد محیطهای عملیاتی جدید و تاکتیکهای نو، نمادی از خلاقیت و نوآوری است و باعث انعطاف و سرعت‌بخشی موفقیت‌آمیز در کارها می‌شود.

۲-۲- عدم درگیری قطعی در مکانهای مشخص و درگیری ناگهانی در همهجا (نیروی مهاجم (نیروی ضعیف‌تر) در جنگ نامتقارن باید تلاش نماید تا از درگیری قطعی در یک مکان معین با دشمن اجتناب نماید و در مقابل، درگیری خود را به صورت ناگهانی در زمان و مکانی که دشمن انتظار آن را ندارد و قدرت عکس‌العمل از آن سلب می‌شود، به صورت فرود ضربه قاطع و قطع سریع درگیری انجام دهد. (شب‌انگیز، ۱۳۸۲، ۶۲) از این رو نیروی ضعیف با انعطاف در زمان و مکان عملیات، کنشی عمل کند و باعث غلبه خود بر حریف قوی گردد.

۲-۳- عدم تمرکز «در صورت وقوع جنگ نامتقارن جبهه درگیری بین دو نیروی قوی و ضعیف شکل می‌گیرد، بنابراین بر عکس جنگهای منظم که از اصول حتمی آن اصل تمرکز عمده قوا برای زدن ضربه اساسی و کاری به اهداف اصلی در عملیاتها می‌باشد، در جنگ نامتقارن برای این که نیروی دفاعی ضعیف مورد تهاجم بتواند قدرت دفاعی را حفظ نماید، می‌بایست نسبت به عدم تمرکز قوا و پراکندگی عرضی و عمقی سلاح و تجهیزات، مواضع دفاعی، تهاجمی، تأخیری و پراکندگی امکانات موردنیاز خود ایجاد نماید تا در صورت تهاجم آتش شدید توپخانه‌ای، موشکی، بمباران هوایی و حتی بمب‌های هسته‌ای و اتمی، عمده قوا و تجهیزات و امکانات خود را از دست ندهد.» (سیاحی، ۱۳۸۲، ۱۶۲) در واقع نیروی ضعیف با تغییر در ترکیب قوا از نظر پراکندگی، می‌تواند خودش را از دسترس دشمن دور

نگه دارد و برای موقعیت دیگر مجهز کند.

#### ۴-۲- خودکفایی و خوداتکایی

سیستمهای سازگار شونده، «خودکنترل و خودنظم می‌باشند، به این معنی که هر کدام از آنها دارای اجزای مستقلی می‌باشند، که بدون اخذ دستور از واحد مرکزی به‌طور خودگردان عمل می‌نمایند. به عنوان مثال، هر یک از تقریباً صد میلیون نورون مغز انسان مینیاتوری از یک رایانه شیمیایی است که از الگویی خاص و مستقل تبعیت می‌کند و اگر آن را از مغز جدا کنید، به عملکردش ادامه می‌دهد. یک نورون اصلی و مرکزی وجود ندارد که نقش گرداننده اصلی و کنترل‌کننده نورونها را به عهده داشته باشد. همه نورونها خودکنترل و خودگردان می‌باشند.» (الوانی، ۱۳۷۸، ۴۵)

«در نگاه سطحی و عمقی، محدود یا گسترده به صحنه درگیری و نبرد نامتقارن بین دو نیروی قوی و ضعیف که به‌طور طبیعی، نیروی قوی تهاجم اولیه را داشته و سرزمین طرف ضعیف را به اشغال درمی‌آورد، یکی از حیاتی‌ترین اصول اجتناب‌ناپذیر، خودکفایی و خوداتکایی رسته‌های رزمی و عوامل اجرایی عملیتهای محدود می‌باشد. در نبرد نامتقارن که طرف قوی از برتری چشمگیری در بعد سلاح نیروی انسانی و امکانات دیگر نسبت به طرف ضعیف برخوردار می‌باشد، نیروهای عمل‌کننده جنگ نامتقارن اصولاً نمی‌توانند در ایام مختلف به عقبه‌های مطمئن و قابل دسترس خود برای امور پشتیبانی و هدایت و فرماندهی متکی باشند. زیرا با فرض قوی بودن طرف مقابل، امکان قطع ارتباط و عدم پشتیبانی به موقع مشهود بوده و شکست، محاصره و انهدام نیروهای عملیاتی را ممکن خواهد ساخت. لذا امر خودکفایی در امر طراحی، برنامه‌ریزی اجرایی، پشتیبانی و تصمیم‌گیری قاطع در صحنه عمل برای گروههای عملیاتی یک واجب حتمی می‌باشد و به لحاظ روحیه برتری رزمی و استفاده از قدرت ابتکار و نوآوری، امر خوداتکایی هم نکته بسیار مهمی می‌باشد.» (سیاحی، ۱۳۸۲، ۱۶۶-۱۶۳) از



این رو، ضرورت دارد با ایجاد زمینه‌های استقلال تا سرحد خودکفایی و خوداتکایی، امکان تقویت توانمندیها و بروز قابلیتها به منظور مقابله در شرایط مختلف و غلبه بر حریف قوی فراهم شود.

#### ۲-۵- تحرک

«بهره‌برداری از سرعت به منظور جابه‌جایی قدرت رزمی را تحرک می‌گویند. تمرکز و پراکندگی به‌موقع در مناطقی که امکان اجرای عملیات غافلگیرانه وجود دارد. همچنین احتراز از مواجه شدن با تمرکز نیروهای دشمن، نیاز به تحرک فوق‌العاده دارد. تحرک در جنگ نامتقارن در کلیه شرایط عملیاتی از اصول حیاتی به حساب می‌آید. نیروهای نظامی می‌توانند با کم کردن بار مینا و کیفی نمودن آن، سبک کردن سازمان رزم، امکانات لجستیکی و آموزش، تحرک خود را بالا ببرند.» (صمدی، ۱۳۸۲، ۲۱۳) «رعایت این اصل در جنگ نامتقارن باعث می‌شود با جابه‌جایی پی در پی واحدهای عملیاتی، محل استقرار آنها برای دشمن کشف نشود؛ در عین حال دشمن در هر منطقه خود را با چند واحد مواجه ببیند. این اصل، همچنین به ارتش مدافع کمک می‌کند هرگاه منطقه‌ای در معرض آسیب باشد سریعاً نیروهایش را به آن منطقه گسیل نماید؛ و هر زمان جنگ در برابر واحدهای ارتش متجاوز خسارت‌بار بود، آنان را از منطقه درگیری دور نماید.» (صمدی، ۱۳۸۲، ۱۱۵) در واقع نیروی ضعیف می‌تواند با تحرک، فعال‌تر و انعطاف‌پذیرتر عمل نماید و باعث افزایش توانمندیهای خود و کاهش قدرت دشمن شود.

#### ۲-۶- قابلیت بروز عکس‌العمل سریع و مؤثر

«به منظور مقابله با دشمن در خطوط درگیری، باید نحوه آرایش و پراکندگی و میزان تحرک یگانهای عمل‌کننده به گونه‌ای باشد که امکان برخورد قاطع، مؤثر و مناسب علیه دشمن را در حداقل زمان و با حداکثر سرعت فراهم آورد. همچنین در طرح‌ریزی عملیات در یک نبرد نامتقارن باید بر انعطاف‌پذیری یگانها

به منظور برخورد با هر گونه تغییر در آرایش و یا نوع تهاجم دشمن تأکید نمود و این مورد را در هنگام طرح ریزی عملیات مدنظر قرار داد. استفاده از یک تاکتیک سیال به جای یک تاکتیک ایستا در این گونه موارد، از نکات بسیار اساسی و مهم است که باید مورد توجه کارشناسان نظامی و طراحان عملیاتی قرار گیرد.» (رحمنی، ۱۳۸۲، ۴) بر اساس اصل انعطاف، باید علاوه بر تحرک در عمل و سرعت بخشی به نیروها، نوع عمل و تاکتیک هم مناسب و مؤثر باشد.

### ۳- خودمانایی<sup>۱</sup>

یکی از موضوعات کلیدی و مؤثر در کارکرد سیستمها، نوع ساختار آنها می باشد. «از جهت ساختاردهی نظام سازمانی، روش قطعیت سستی باعث شده تا با ساختارهایی مکانیکی و غیرقابل انعطاف روبه رو باشیم، که نمی توانند خود را با دنیای واقعیات - که دنیایی مشحون از بی نظمی و تلاطم است - تطبیق دهند. این ناسازگاری موجب کاهش کارایی و صرف هزینه های زیاد برای ایجاد هماهنگی تصنعی بین سازمان و محیط گردیده است.» (الوانی، ۱۳۷۴، ۳۹) بنابراین «یکی از عوامل مؤثر در طراحی ساختار، شناخت محیط است. بقای سازمان و افزایش اثربخشی آن، ایجاب می کند که سازمانها در قالب سیستمهای باز، مکانیزمهای نظارت و بازخورد را به منظور تعیین و تشخیص محیط و همچنین درک آن، احساس تغییرات حاصله در محیطها و ایجاد جرح و تعدیلات ضروری، ایجاد و توسعه دهند. نکته مهم دیگر این که محیط سازمانها یکسان نیستند و هر کدام درجه ای از عدم اطمینان محیطی را دارند که بر سازمان اثر می گذارد. عدم اطمینان محیطی به معنای فقدان توان پیش بینی تحولات و تغییرات محیط پیرامونی است.» (ظریف منش، ۱۳۸۲، ۶)

«محیط سازمانهای نظامی را به خصوص در شرایط فعلی، می توان دارای عدم اطمینان تشخیص داد. تنوع بی نظیر، محیط را کاملاً پیچیده کرده و میزان تغییرات

به نحوی است که به جرأت می‌توان گفت، کاملاً متلاطم و غیرقابل پیش‌بینی است. برای فعالیت در چنین محیطی صاحب‌نظران سازمانهای انطباقی<sup>۱</sup>، طرحهای ارگانیکی را پیشنهاد می‌کنند.» (ظریف‌منش، ۱۳۸۲، ۷) از این رو هر چه محیط پویاتر باشد ساختار سازمانی زنده‌تر است. میتز برگ در اثبات این نظریه می‌گوید: «ارتشها در زمان صلح یا حتی در زمان جنگ، هنگامی که از میدان نبرد باز می‌گردند گرایش شدیدی به دیوانسالاری و پافشاری بیش از اندازه به برنامه‌ریزی، مشقهای رسمی و تشریفات دارند و به انضباط نیز توجه بسیار دقیق نشان می‌دهند. در میدانهای نبرد دست‌کم در میدانهای نوین نبرد به انعطاف بیشتری نیاز هست، از این رو ساختار سازمانی جمود کمتری دارد. این حکم به ویژه درباره موقعیتهای پویای جنگهای چریکی روایی دارد.» (میتز برگ، ۱۳۷۲، ۲۱۳) بنابراین، ضرورت دارد به قصد عملکرد بهتر و سریع‌تر سازمانها، ساختارهای انعطاف‌پذیر طراحی گردد، تا بتواند در مقابل شرایط جدید و حوادث پیش‌بینی نشده واکنش سریع و مناسب نشان دهند و از فرصتهای به دست آمده استفاده کنند. برای این کار می‌توان از خاصیت خودمانایی بهره برد.

«معادلات آشوبی دارای خاصیت خودمانا هستند، در معادلات آشوبی الگوهای ترسیمی نشانگر نوعی شباهت بین اجزای کامل می‌باشند، بدین ترتیب که هر جزئی از الگو، همانند و مشابه کل می‌باشد. به این خاصیت، خودمانایی گفته می‌شود. این ویژگی به علت آن است که دستگاههای نامنظم و آشوبی با هندسه جدیدی پا به عرصه وجود می‌گذارد که آن را هندسه برخالی می‌نامند.» (الوانی، ۱۳۸۱، ۱۰۰) «خاصیت خودمانایی یا هم شکل بودن جزء با کل که در برگ درختان، یک دانه برف و منحنی فون کوخ دیده می‌شود. در خاصیت هولوگرافیک نیز به بیانی دیگر قابل تشخیص است. هولوگرافی<sup>۲</sup> یکی از شاهکارهای لیزر است، اطلاعات را به صورت اشعه‌های نوری بر صفحه‌ای به نام هولوگرام به گونه‌ای

1- Adaptive Organization  
2- Holography

ضبط می‌کند، که کل در همه اجزا منعکس می‌باشد. بدین ترتیب اگر صفحه هولوگرام بشکنند در هر تکه، همه خواص کل وجود دارد. همچون آینه‌ای که در هر قطعه آن خاصیت بازتابی آینه موجود است. از خاصیت خودمانایی یا هولوگرافیک، می‌توان در سازماندهی سازمانهای جدید بسیار بهره برد. سازمانهایی طراحی نمود که هر واحد آن به‌طور خودکفا قادر به انجام وظایف سازمانی می‌باشد. (الرائی، ۱۳۷۸، ۴۹)

«از سازمان هولوگرافیک می‌توان به عنوان سازمانی خودکفا، خوداتکا و خودبسته نام برد. هر یک از واحدهای وابسته به سازمان باید بتوانند در صورت جدایی از مادر، بدون کمترین کاستی به حیات خویش ادامه دهند. هر یک از واحدها باید در مواجهه با دشمن، همه اجزا و ابزار لازم را در اختیار داشته باشند و همچون سازمان مادر، زهرآگین و خطرناک ظاهر شوند. هر واحد بایستی توان خود ترمیمی داشته باشد.» (ظریف‌منش، ۱۳۸۲، ۲۹) با توجه به آنچه که در خاصیت سازگاری پویا بیان شد، وجه بارز واحدهای سازمانی خودکفا و خوداتکا، انعطاف‌پذیری و قدرت مانور آنها است.

آنچه تاکنون با استفاده از خاصیت خودمانایی، در مورد ساختار سازمانی در مدیریت جنگ نامتقارن بیان شد، در قالب ساختارهای سلولی قابل تعمیم است. در واقع آنچه باعث می‌شود یک سیستم به اجزای مستقل از یکدیگر تقسیم شود و متناسب با نیازمندیهای محیط ایفای نقش کند و در عین حال یک جمع متشکل به حساب آید، واحدهای سلولی هستند که بر اساس خاصیت خودمانایی هر جزء آن با کل شباهت دارد. بنابراین «یکی از بهترین تدابیر برای مدیریت پیچیدگی‌ها، شکستن دقیق یک سیستم در قالب اجزای تعریف شده‌ای است، که از طریق تعاملات مشخص و از پیش تعیین شده در عین استقلال نسبی در ساختار واحدی به دنبال دستیابی به اهداف خواهند بود.» (ظریف‌منش، ۱۳۸۲، ۲۱) پس «در سازماندهی سازمانهای امروز در محیط آشوبناک و با نگرش ثنوری بی‌نظمی، باید ارتباط اجزا با هم به گونه‌ای باشد که اولاً هر جزئی بتواند ضمن انجام

وظایف خود، به طور مستقل با اجزای دیگر ارتباطی هم‌افزا و پویانده داشته باشد. هر جزء باید از جهت آرمانها و رسالتها دارای یک نگرش مشابه با سایر اجزا باشد (همچون نوروتهای مغز) اما از جهت رفتار عملیاتی، این اجزا در مجموعه‌های متشکل به هدفهای متفاوتی جامه عمل می‌پوشانند و با یکدیگر متفاوت می‌شوند.» (الوانی، ۱۳۸۱، ۴۸-۴۷)

«در سیستمهای سلولی انهدام یا کارکرد نامناسب یک واحد، بقای کل سیستم را با خطر مواجه نمی‌کند. این در حالی است که در سیستمهای تجزیه‌ناپذیر، ضربات وارده بر هر یک از اجزا به سرعت در کل سیستم انتشار می‌یابد. به بیان دیگر، از آنجایی که سلول‌گرایی موجب پراکنده‌سازی و انبوه‌سازی در سیستم دفاعی می‌شود، کاهش آسیب‌پذیری را به دنبال خواهد داشت.

بسیاری از استراتژیستها، مسلح ساختن جوخه‌های کوچکی از سربازان آموزش دیده با سلاحهای کوچک ولی پیشرفته، مانند سلاحهای ضدتانک و ضدهوایما و پراکنده‌سازی آنها در تمام منطقه‌ای که باید از آن دفاع شود را توصیه می‌کنند.

در سلول‌گرایی تجربیات موازی متعددی صورت می‌گیرد، منابع بیشتری صرف می‌شود و دوباره‌کاری می‌شود. اما این معایب در مقابل آنچه که حاصل می‌شود، قابل صرف‌نظر کردن است. ضمن این که تخصصی شدن و کانونی عمل کردن سلولها می‌تواند در برآیند کلی کار سازمان نقش به‌سزایی داشته باشد. در هر حال با وجود پیچیدگی فوق‌العاده در محیط نظامی و صحنه جنگ، چندوجهی بودن توان دشمن و امکان انهدام سیستمهای یکپارچه توسط دشمن در یک جنگ نامتقارن، استفاده از طراحی سلولی می‌تواند به ارتقای توان رزمی بیانجامد.» (ظریف‌سن، ۱۳۸۲، ۲۳) «با سلول‌گرایی در واقع عدم اطمینان محیطی را تجزیه کرده و نسبت به کوچک‌سازی مسئله اقدام می‌شود، سپس واحدهای کوچک شده با روشهای استاندارد و یا تدابیر ابتکاری حل می‌شود. بنابراین می‌توان گفت نتیجه سلول‌گرایی، ارتقای سرعت پاسخگویی به شرایط محیط است. سلول‌گرایی

زمینه‌ساز انعطاف‌پذیری بسیار زیاد و موجب رشد و نوآوری سازمان است.» (ظریف‌منش، ۱۳۸۲، ۲۱) بنابراین می‌توان با طراحی ساختار سازمان جنگ به صورت اجزای مستقل از یکدیگر - ولی در عین حال هماهنگ - به اقتضانات متفاوت و متغیر محیطی پاسخ مناسب و سریع داد.

#### ۴- جاذبه‌های غریب<sup>۱</sup>

«قوم اینکا» تصاویر هندسی را در صحراهای پرو حک کرده‌اند، اگر از نزدیک به آنها نگاه کنیم، نه نظمی را نشان می‌دهند و نه تصویری معنی‌دار را به ذهن متبادر می‌سازند. اما اگر از آسمان و از دور به آنها بنگریم تصویر درختان، حیوانات و پرندگان را می‌بینیم. این‌ها در واقع به اصطلاح تئوری بی‌نظمی، جاذبه‌های غریب یا الگوهای منظمی هستند که از بی‌نظمی به دست می‌آیند.» (الوانی، ۱۳۷۸، ۵۰) «دستگاههای آشوبی دارای جاذبه‌های غریب می‌باشند. جاذبه‌های غریب بدون الگو نیستند و از الگویی پیروی می‌کنند که خاصیت و ارزش آنها در الگو داشتن است. این جاذبه‌ها، دارای ویژگیهای هندسی پیچیده‌ای هستند و دارای ابعاد غیرصحیحی و برخالی می‌باشند، مسیر آنها به هم پیچیده، چند جهته و گسترده است.» (الوانی، ۱۳۸۱، ۱۰۱-۱۰۰)

«یک نکته در جاذبه‌های غریب و الگوی منظم موجود در بطن آنها، محدوده و افق نگرش به پدیده‌هاست. لورنز زمانی در جمع گروهی از دانشمندان گفته است: «ما در پیش‌بینی دمای یک فنجان قهوه در یک دقیقه جلوتر مشکل داریم، اما پیش‌بینی دمای قهوه در یک ساعت جلوتر کار ساده‌ای است» بنابراین هر چه دورنمای موضوع وسیع‌تر و افق دید گسترده‌تر باشد، یافتن جاذبه‌های غریب ممکن‌تر و قدرت پیش‌بینی بیشتر خواهد بود. تنها در یک زمینه وسیع و با تکرار وقایع است که می‌توان الگوی منظم جاذبه‌های غریب را پیدا کرد.» (الوانی، ۱۳۷۸، ۵۱) پس با نگاه گسترده به جمعی از وقایع، می‌توان به واقعیت کلی موقیتهای پی برد.

«جاذبه‌های غریب در همه جا وجود دارند، همه آن چه را که ما در نظر اول بی‌نظم و آشوب‌ناک می‌یابیم، در درازمدت و با تکرار، الگویی منظم از خود نشان می‌دهد. جاذبه‌های غریب، یافتن نظم در بی‌نظمی را به مدیران یادآور می‌شود. تغییرات شدید، رفتارهای نامنظم، دگرگونیهای غیرقابل پیش‌بینی، حرکات بحرانی، همه و همه سرانجام به الگویی ختم می‌شوند که یافتن آن هنر مدیریت است، تا بدان وسیله، نوعی پیش‌بینی میسر گردد. جاذبه‌های غریب به مدیران امکان می‌دهد تا به الگوهایی دست یابند که بی‌نظمی‌ها را نظم می‌بخشد و آشوبها را در قالبی منظم تبیین می‌کند. اما باید دانست که این الگوها در محدوده‌های جزئی و کوچک و دوره‌های زمانی کوتاه به دست نمی‌آیند. داشتن نگرش سیستمی، افقهای بلند را مد نظر داشتن و به محدوده‌های وسیع اندیشیدن، به مدیران یاری می‌دهد تا الگوهایی را در پدیده‌های به ظاهر نامنظم پیدا کنند که خبر از نظم غایی می‌دهد. مدیریت آینده نیازمند یافتن جاذبه‌های غریبی است که این نظم غایی را بر ما آشکار سازد. بدون آگاهی از این نظم، به هیچ گونه تبیین و پیش‌بینی درستی از وقایع پیچیدهٔ امروز نمی‌توان دست یافت. (الوانی، ۱۳۷۸، ۵۳-۵۲)

با توجه به این که لازمهٔ مدیریت و تصمیم‌گیری، مطالعه و شناخت مسائل و پیش‌بینی وقایع می‌باشد، لازم است به منظور حصول شناخت بیشتر با نگرش سیستمی و نگاهی به افقهای دور و ارتباطات گسترده، به مطالعهٔ همه‌جانبه پرداخته شود تا حسب ویژگی جاذبه‌های غریب، بتوان شناخت واقعی‌تر از وقایع آینده به دست آورد. حسب جاذبه‌های غریب، با نگاهی محدود و مطالعهٔ یک بعدی، شناخت لازم که مبنای مطمئن‌تری برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری باشد، حاصل نمی‌شود. زیرا، محیط سازمانهای نظامی، آکنده از شرایط نامطمئن و مسائل پیچیده است. در شرایط جنگ نامتقارن موضوع توجه به جاذبه‌های غریب از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. درک مسائل و وقایع بسیار متنوع و متعدد که مانند کلافی درهم پیچیده است، کار مشکلی است و تنها می‌توان با ملاحظه جاذبه‌های غریب و مطالعه جمعی نقاط و حصول الگوها، امکان فهم واقعی‌تر و پیش‌بینی

رخدادها را فراهم نمود. به طور مثال می‌توان با ملاحظه و مطالعه شرایط کلی دشمن و خودی از نظر نقاط قوت و ضعف، فرصتها و تهدیدها، به یک جمع‌بندی کلی دست یافت. به عبارت دیگر می‌توان حسب قراین و شواهد کلی - نه جزئی - که نشانگر دورنمای وضعیت دشمن و خودی می‌باشد، به یک فهم کلی رسید و بر اساس آن، برنامه‌های واقعی‌تر و مفیدتری را تدوین نمود.

علی‌رغم این که با ویژگی جاذبه‌های غریب، دورنمایی از وقایع حاصل می‌شود، پیش‌بینی تمامی قضایا به صورت کامل مقدور نیست و لازم است در محیط نامطمئن به صورت پویا و با برنامه‌های اقتضایی و رفتار انعطاف‌پذیر، جنگ نامتقارن را مدیریت کرد. «درک عدم قابلیت پیش‌بینی رویدادها و حوادث، اهمیت برنامه‌ریزی اقتضایی را افزایش خواهد داد. داشتن یک راهبرد واحد و مجموعه‌ای از شیوه‌ها کفایت نمی‌کند، برای تطبیق خود با عدم اطمینان‌ها، تدوین مجموعه‌ای کلی از برنامه‌ها و موضع‌های منعطف، ضروری است.» (الوانی، ۱۳۸۱، ۱۰۸-۱۰۷) پس در گستره جنگ نامتقارن لازم است علاوه بر توجه به جاذبه‌های غریب، امکان مقابله با رخدادهای غیرقابل پیش‌بینی را فراهم نمود. برای این کار، باید مطالعه مسائل و مدیریت جنگ نامتقارن را در تمامی سطوح سازمانی گسترش دهیم و سازمان را برای واکنش در مقابل شرایط گوناگون آماده نماییم.

«برنامه‌ریزیها باید چنان باشد که ضمن حفظ چشم‌انداز جاذبه‌های غریب، قدرت مقابله لحظه‌ای با تغییرات غیرقابل پیش‌بینی درون و برون سازمان داشته باشد، این منوط به آن است که مرکز برنامه‌ریزی، مدیریت عالی نباشد، بلکه آنان که به مشکل یا مسئله نزدیکتر هستند، دارای چنان قدرتی باشند که بتوانند فوری نسبت به رویدادهای رخ داده واکنش نشان دهند.» (الوانی، ۱۳۸۱، ۱۲۵) بنابراین حسب جاذبه‌های غریب، می‌توان به شناخت و پیش‌بینی قضایا به صورت کلی و در حد مطالعه دورنما عمل کرد، ولی برای مدیریت سازمان نظامی لازم است همه واحدهای سازمانی به صورت پویا در فرایند مدیریت جنگ نامتقارن فعال شوند و متناسب با شرایط و تغییرات عمل کنند. «نظریه آشوب مدعی نیست که



سازمانها دارای حالتی بی‌نظم و خارج از کنترل هستند، بلکه ادعا دارد آنچه در یک سطح، آشوب‌زده به نظر می‌آید واقعاً در سطح بالاتر دارای وزن و قافیه یا الگو و نظم است. بهترین راه برای غلبه بر مسائل موقتی و سیار گونه در سطوح پایین‌تر سازمان، آن است که به نزدیک‌ترین افراد به صحنه، اختیار عمل واگذار کنی که آنچه در شرایط خاص ضروری می‌بینند، انجام دهند.» (الوانی، ۱۳۸۱، ۱۱۷)

کلام آخر این که با ویژگی جاذبه‌های غریب، می‌توان دورنمای سازمان و محیط آن را ملاحظه کرد و با عنایت به ویژگیهای دیگر نظریه آشوب، مدیریت جنگ نامتقارن را در تمامی واحدها و سطوح سازمان گسترش داد، تا بتوان در محیط نامطمئن، پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی و قطعیت‌ناپذیر، به صورت پویا عمل کرد و ضریب موفقیت را بالا برد.

#### نتیجه‌گیری

مدیریت سازمانهای آشوبی (پیچیده، قطعیت‌ناپذیر، غیرقابل پیش‌بینی و ...) تنها با ویژگی‌ها و مفروضات نظریه آشوب (اثر پروانه‌ای و روابط غیرخطی، سازگاری پویا، خودمانایی و جاذبه‌های غریب) امکان‌پذیر است. مروری گذرا بر ماهیت و روابط بین متغیرهای سازمانی و محیطی این موضوع را تصدیق می‌کند. بر این اساس، جنگ نامتقارن را که دارای محیط نامطمئن و آکنده از مسائل پیچیده و بفرنج است، نمی‌توان مانند شرایط ثابت و قطعیت‌پذیر مدیریت کرد، بلکه باید آن را با استفاده از ویژگیهای تئوری آشوب - شامل اثر پروانه‌ای، سازگاری پویا، خودمانایی و جاذبه‌های غریب - مطالعه و مدیریت نمود:

به استناد "اثر پروانه‌ای" می‌توان در جنگ نامتقارن، با یافتن نقاط حساس و اهرمهای کلیدی و ایجاد حرکت جزئی و تغییر در شرایط اولیه، حرکتی عظیم و نتایج بزرگی را به بار آورد. این امر به واسطه استفاده از نقاط قوت خودی در مقابله با نقاط ضعف دشمن میسر می‌شود. از جمله عوامل انسانی و مادی که طرف ضعیف می‌تواند به واسطه آنها سرنوشت جنگ را به نفع خود تغییر دهد و

نایج بزرگی به دست آورد شامل، اندیشه خلاق، برتری روحیه، خطرپذیری معقول، مردمی بودن، جنگ اطلاعاتی، عملیات نفوذی و چریکی، شدت عمل، غافلگیری، فریب، اختفا و استتار می‌باشند.

بر اساس ویژگی "سازگاری پویا"، بقای سازمان در گرو سازگاری پویا با محیط است. در جنگ نامتقارن سازمان جنگی، باید بتواند با انعطاف‌پذیری، نتایج مطلوبی را حاصل کند. رفتارهای انعطاف‌پذیر شامل، خلق محیطهای عملیاتی جدید و پرهیز از تکرار تاکتیکها، عدم درگیری قطعی در مکانهای مشخص و درگیری ناگهانی در همه جا، عدم تمرکز، خودکفایی و خوداتکایی، تحرک، قابلیت بروز عکس‌العمل سریع و مؤثر می‌باشد.

توجه به "خودمانایی" ایجاب می‌کند ساختار سازمانی پویا و منعطف باشد. ساختار سازمانی جنگ نامتقارن باید حسب خاصیت خودمانایی، خودکفا و خوداتکا باشد، یعنی هر یک از واحدهای سازمانی بتواند در رفتار عملیاتی‌اش به طور مستقل، انجام وظیفه نماید و به شرایط متفاوت و متغیر محیطی، پاسخی مناسب و سریع بدهد.

در نهایت، ویژگی "جاذبه‌های غریب" نیز مهم است. در واقع، درک واقعی و پیش‌بینی مسائل و وقایع پیچیده جنگ نامتقارن، به‌واسطه ملاحظه جاذبه‌های غریب و مطالعه جمعی نقاط و حصول الگوها امکان‌پذیر می‌باشد. لازم است با نگاهی به افقهای دوردست و در عرصه‌ای وسیع، به مطالعه همه‌جانبه و گسترده قضایا به منظور حصول شناخت واقعی پرداخته شود. با ملاحظه و مطالعه دورنمای نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای خودی و دشمن می‌توان به شناخت کلی موقعیت دست یافت و در تدوین برنامه‌های مورد استفاده نتایج آن را لحاظ نمود.

منابع فارسی

- ۱- افروز، رضا (۱۳۸۲)؛ *جنگ نامتقارن*، ج اول، تهران، انتشارات گویه.
- ۲- الوانی، سیدمهدی (۱۳۷۴)؛ "نظریه بی‌نظمی و نظم غایی و مدیریت"، *فصلنامه مدیریت دولتی*، شماره ۳۱، ص ۴۰-۲۹.
- ۳- الوانی، سیدمهدی (۱۳۷۸)؛ "بازتاب جلوه‌های نظریه بی‌نظمی در مدیریت"، *فصلنامه مطالعات مدیریت*، شماره ۲۲ و ۲۱، ص ۵۳-۳۸.
- ۴- الوانی، سیدمهدی؛ دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۱)؛ *تئوری نظم در بی‌نظمی و مدیریت*، تهران، انتشارات صفار.
- ۵- پیری، هادی‌مراد (۱۳۸۲)؛ "اصول و ویژگیهای جنگ نامتقارن"، در *مجموعه مقالات نخستین همایش علمی سراسری تبیین اصول و شیوه‌های جنگ نامتقارن در مقابله با تهدیدات احتمالی*، ج اول، اصفهان، دانشکده افسری.
- ۶- جمالی، علی (۱۳۸۲)؛ "زیردریایی‌های کوچک، سلاح‌های مناسب برای جنگ نامتقارن"، در *مجموعه مقالات نخستین همایش علمی سراسری تبیین اصول و شیوه‌های جنگ نامتقارن در مقابله با تهدیدات احتمالی*، ج دوم، اصفهان، دانشکده افسری.
- ۷- رحمتی، محسن (۱۳۸۲)؛ "اصول اساسی نبردهای نامتقارن"، در *مجموعه مقالات نخستین همایش علمی سراسری تبیین اصول و شیوه‌های جنگ نامتقارن در مقابله با تهدیدات احتمالی*، ج دوم، اصفهان، دانشکده افسری.
- ۸- سادات، سیدمحمد (۱۳۸۲)؛ "نگرشی بر نقش لجستیک در جنگ نامتقارن"، در *مجموعه مقالات نخستین همایش علمی سراسری تبیین اصول و شیوه‌های جنگ نامتقارن در مقابله با تهدیدات احتمالی*، ج دوم، اصفهان، دانشکده افسری.
- ۹- سفیدچیان، محمدهادی (۱۳۸۲)؛ "نقش مردم در نبرد نامتقارن"، در *مجموعه مقالات نخستین همایش علمی سراسری تبیین اصول و شیوه‌های جنگ نامتقارن در مقابله با تهدیدات احتمالی*، ج اول، اصفهان، دانشکده افسری.
- ۱۰- سیاحی، اسماعیل (۱۳۸۲)؛ "اصول و ویژگیهای جنگ نامتقارن"، در *مجموعه مقالات نخستین همایش علمی سراسری تبیین اصول و شیوه‌های جنگ نامتقارن در مقابله با تهدیدات احتمالی*، ج دوم، اصفهان، دانشکده افسری.
- ۱۱- شب‌انگیز، علیرضا (۱۳۸۲)؛ "اصول و ویژگیهای جنگ نامتقارن"، در *مجموعه مقالات*

- نخستین همایش علمی سراسری تبیین اصول و شیوه‌های جنگ نامتقارن در مقابله با تهدیدات احتمالی، ج دوم، اصفهان، دانشکده افسری.
- ۱۲- صادقی، رضا (۱۳۸۲)؛ "ویژگیها، اصول و راهبرد جنگ نامتقارن"، در مجموعه مقالات نخستین همایش علمی سراسری تبیین اصول و شیوه‌های جنگ نامتقارن در مقابله با تهدیدات احتمالی، ج دوم، اصفهان، دانشکده افسری.
- ۱۳- صمدی، محمدرضا (۱۳۸۲)؛ "اصول و ویژگیهای جنگ نامتقارن"، در مجموعه مقالات نخستین همایش علمی سراسری تبیین اصول و شیوه‌های جنگ نامتقارن در مقابله با تهدیدات احتمالی، ج اول، اصفهان، دانشکده افسری.
- ۱۴- ظریف‌منش، حسین (۱۳۸۲)؛ "درآمدی بر سازمان و سازماندهی در جنگ نامتقارن"، در مجموعه مقالات نخستین همایش علمی سراسری تبیین اصول و شیوه‌های جنگ نامتقارن در مقابله با تهدیدات احتمالی، ج اول، اصفهان، دانشکده افسری.
- ۱۵- فقیه، نظام‌الدین (۱۳۷۵)؛ "آشوب در سیستمهای پویا و تحول در سیستمهای مدیریت"، فصلنامه دانش مدیریت، شماره ۳۶ و ۳۵، ص ۷۹-۱۰۱.
- ۱۶- کاظمی، مرتضی (۱۳۸۲)؛ "مدیریت تفاوتها در فرماندهی و کنترل جنگ نامتقارن"، در مجموعه مقالات نخستین همایش علمی سراسری تبیین اصول و شیوه‌های جنگ نامتقارن در مقابله با تهدیدات احتمالی، ج اول، اصفهان، دانشکده افسری.
- ۱۷- مکنزی، کنت (۱۳۸۲)؛ جنگ نامتقارن، مترجمین عبدالمجید حیدری و محمد تمنایی، تهران، دافوس.
- ۱۸- مینتز برگ، هنری (۱۳۷۱)؛ سازماندهی: پنج الگوی کارساز، مترجمین ابوالحسن فقیهی و حسین وزیری سابق، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۱۹- ناستاد، نیلز (۱۳۸۴)؛ "سراغاز - ملاحظات اولیه"، در کتاب جنگ نامتقارن (مجموعه مقاله‌ها و سخنرانی‌ها)، تهران، ستاد مشترک سپاه.